

بررسی جایگاه عقلانیت و مؤلفه‌های آن در برنامه‌های درسی دوره متوسطه دوم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

javad_am_59@yahoo.com

کوه جواد آقامحمدی / دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی

malaki_cu@yahoo.com

حسن ملکی / دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه عقلانیت و مؤلفه‌های آن در برنامه‌های درسی مدارس متوسطه دوم از منظر دبیران شهرستان سنندج با تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. روش پژوهش در محدوده روش‌های توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دبیران زن و مرد دوره متوسطه شهرستان سنندج تشکیل داده‌اند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۴۵ نفر با استفاده از روش تصادفی ساده است؛ به طوری که همه اعضا شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند. ابزار اندازه‌گیری تحقیق، به جز منابع کتابخانه‌ای، پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش نظرات بوده، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین، نمودار، انحراف معیار) و تحلیلی (t) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه‌های درسی متوسطه از دیدگاه دبیران در ابعاد تفکر و تأمل و همچنین اعتدال و میانه‌روی بیشتر از حد میانگین بوده است، و در ابعاد بصیرت و جایگاه علم و دانش و نوآوری در برنامه‌های درسی، کمتر از حد میانگین توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت، مؤلفه‌های عقلانیت، برنامه‌های درسی، آموزه‌های اسلامی، دبیران آموزش و پرورش.

مقدمه

انسان به اتکای قوای شناختی خود، محیط پیرامون خود را واکاوی می‌کند و از رهگذر این قوای شناختی که عقل از جمله آنهاست، معارفی را فراهم می‌آورد. عقل در میان منابع شناختی بشر، اهمیتی ویژه دارد و نزد غالب متفکران یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای رسیدن به حقیقت بوده و هست. عقل و عقلانیت، در تفکر اسلامی و فرهنگ مغرب‌زمین در مجموع همیشه از جایگاهی رفیع و شایسته برخوردار بوده است اما تلقی و تحلیلی که از این حقیقت ممدوح در دو فرهنگ اسلامی و غربی، به‌ویژه غرب پس از رنسانس به چشم می‌خورد، با یکدیگر تفاوت و در مواردی تعارض جدی دارد. عقل به همراه دیگر شقوق لغوی آن همچون، عقلی، عقلانیت، عقلانی، عقل‌گرایی و معقول با اینکه در نگاه اول مفاهیمی نسبتاً روشن و مشخص را افاده می‌کند، معلوم نیست که اگر در ماهیتش کاوش بیشتر شود، وضوح و روشنی آن همچنان محفوظ بماند. در باب ماهیت عقل و عقلانیت در تفکر اسلامی و مغرب‌زمین با دو دیدگاه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی می‌توان تأمل کرد. به تعبیر دیگر، هم می‌توان در تحلیل‌های نظری علوم انسانی از عقل و عقلانیت تفحص کرد و نقش معرفتی آن را ارزیابی کرد و هم می‌توان به سیر تاریخی و عوارض و لوازم و نتایج خارجی عقلانیت پرداخت؛ اما در زبان فارسی در تفاسیری که از قوه عقل و عقلانیت موجود است، می‌توان آن را نیرویی نفسانی دانست که ممیز نیک و بد، خیر و شر و تعدیل‌کننده احساسات انسانی است (زیباکلام و حق‌گو، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). در این پژوهش مراد از مفهوم عقلانیت، سازوکاری است که اسلام تعیین کرده، و ورای عقلانیتی است که در فرهنگ مغرب‌زمین وجود دارد.

عقل در قرآن و روایات اسلامی از اهمیتی ویژه برخوردار است و در بیشتر کتب دینی و اخلاقی از آن سخن به میان آمده است. / استاد مطهری در زمینه اهمیت عقل می‌نویسد اول خود قرآن است که دائماً سخن از تعقل می‌گوید، گذشته از این در اخبار و احادیث، مطالب بی‌شماری در این باره به چشم می‌خورد. خداوند سبحان در سوره عنکبوت می‌فرماید: «این، مثال‌هایی است که برای مردمان در قرآن می‌آوریم و تنها دانایانند که با به‌کارگیری عقل خویش به کنه آنها پی می‌برند» (عنکبوت: ۴۳). در جای دیگر می‌فرماید: «از چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل همگی مسئول‌اند» (اسراء: ۳۶). باز می‌فرماید:

در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، هر آینه نشانه‌هایی است برای صاحبان عقل آنهايي که در حال قیام و قعود و بر پهلو به یاد خدا هستند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند. پروردگارا اینها را بیهوده نیافریدی، منزهی تو، پس ما را از عذاب آتش نگاه دار (آل‌عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱).

در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که نخستین صادر و مخلوق خداوند، عقل است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱، باب ۲). در جای دیگری می‌فرماید: عاقل‌ترین انسان‌ها نزدیک‌ترین آنها به خداوند عالم است (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۳). عقلانیت در دیدگاه علامه طباطبایی نیز از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ آنجا که بر مبنای عقلانیت و حیانی، جامعه‌ای را مطلوب می‌پندارد که خدا محور عالم است و عالم معنادار است؛ بدین معنا که خدا خالق عالم است و این عالم برای هدفی آفریده شده است. معنای عالم در باور به ربوبیت خدا، رسالت محمد صلی الله علیه و آله از سوی خدا، پذیرش قرآن به مثابه کتاب خدا، برپایی قیامت و رسیدگی به حساب و کتاب انسان‌ها مندرج است. عقلانیت و حیانی در دیدگاه علامه طباطبایی نص محور است؛ یعنی کتاب خدا به منزله مرجع و محرک تعقل، حتی از منظر عقلانی‌ترین رویکردهای تفسیری، به منزله مرجع ثابت و تغییرناپذیر شناخته شده است (خان‌محمدی، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

تاکنون پژوهش‌های نسبتاً فراوانی در زمینه عقلانیت صورت گرفته است که هر یک از آنها از زوایایی ویژه به موضوع نگریسته‌اند. صفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن»، خزاعی (۱۳۸۵) با عنوان «عقلانیت اخلاقی»، زیباکلام و حق‌گو (۱۳۹۰) با عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام، نتیجه عقلانیت حاکم بر سیره امام خمینی علیه السلام»، زرگر و عبدالهی (۱۳۹۲) با عنوان «نقش عقل در فهم آیات قرآن از منظر ملاصدرا»، ملکی (۱۳۸۷) با عنوان «پوپر اصل عقلانیت و نظریه‌های اقتصادی»، اکبری تختمشلو و زیباکلام (۱۳۹۰) با عنوان «عقلانیت در فلسفه پوپر»، عیوضی و کشیشیان سیرکی (۱۳۹۰) با عنوان «تبیین مسئله عقلانیت ابزاری، ارتباطی و دینی از نگاه امام خمینی و یورگن هابرماس»، ضیاء (۱۳۸۳) با عنوان «منطق و عقلانیت»، قاسم‌پور (۱۳۹۰) با عنوان «جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی»، خان‌محمدی (۱۳۹۱) با عنوان «مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت و حیانی»، صانعی (۱۳۸۵) با عنوان «عقلانیت در اندیشه رازی»، سلحشوری و یوسف‌زاده (۱۳۹۰) با عنوان «جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی»، پورابراهیم و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی مفهوم بصیرت در زبان قرآن در چارچوب معناشناسی شناختی» و سجادی (۱۳۸۴) با عنوان «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی» به بررسی این مسئله پرداخته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی با عنوان خاص مقاله پیش‌رو و با این مؤلفه‌ها صورت نگرفته است و پژوهش حاضر با این هدف کلی که به بررسی جایگاه عقلانیت و مؤلفه‌های آن در برنامه

درسی مدارس متوسطه می‌پردازد. این پژوهش درصدد است تا از دیدگاه دبیران به کنکاش در کتب درسی بپردازد و از این رهگذر این امکان را به مسئولین و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت کشور می‌دهد که در صورت نیاز، به بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی اقدام کنند یا آنها را در برنامه‌های آتی خود مدنظر داشته باشند. در این راستا پنج پرسش کلی مطرح است و با مصادیق و نمونه‌های روشن و عینی به دنبال پاسخ آنها خواهیم بود.

۱. تبیین واژه‌ها

عقل: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در باب این معنا چنین می‌نویسد:

به همین معناست که ادراک‌هایی که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و عقد قلبی نسبت به آنها بسته است و نیز مدرکات آدمی را و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیدند؛ اما لغت‌شناسان عرب، به کاربرد عقل در معانی قلب، تفکر و تأمل در کارها و استعدادی که با آن آگاهی و علم تحقق می‌یابد، تصریح کرده‌اند (صفایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۸۵).

بر اساس فرهنگ واژگان جامعه‌شناسی کمبریج، عقلانیت در فلسفه اشاره به توانایی و استعداد انسان برای به‌دست آوردن دانش و یا اتخاذ تصمیم هوشمندانه دارد و متضاد با عادت، احساس، اعتقاد کورکورانه و سنت است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۸۳). مراد از عقل نیروی ادراک است؛ ادراک حق و باطل در امور نظری، و ادراک خیر و شر و سود و زیان در امور عملی. این نعمت بی‌نظیر مجهز به حواس ظاهر است، که به وسیله آنها ظواهر اشیا را می‌فهمد و مجهز به حواس باطن است؛ زیرا توسط آنها از امور معنوی و باطنی آگاه می‌شود، و هر یک را به مقتضای حال و زمان به کار می‌گیرد (انصاریان، ۱۳۷۷، ص ۳۳۵). با این اوصاف، از طریق عقل است که انسان می‌تواند به کنه امور و اشیا پی ببرد و خوب را از بد و صواب را از ناصواب تشخیص دهد و به همین دلیل است که رسول خدا ﷺ در حدیثی می‌فرماید: تمام خیر به وسیله عقل به دست می‌آید، و آن که عقل ندارد، دین ندارد.

عقل ابزاری: این عقل قوه‌ای است که به شناسایی جهان طبیعت و روابط پدیده‌های طبیعی همت می‌گمارد و معلوماتی را که از راه تجربه به‌دست آمده‌اند، بر پایه قواعد منطقی تنظیم می‌کند و در این حوزه به استدلال و نتیجه‌گیری می‌پردازد. این عقل، عمدتاً نقش کاربردی و عملی دارد؛ زیرا از آن به منزله ابزاری برای تغییر دادن وضعیت کنونی جهان، به سوی وضعیت مطلوب، استفاده می‌شود. این عقل، معمولاً عقل ابزاری نامیده می‌شود.

عقل شهودی: این نوع عقل، قوه‌ای است که می‌تواند درباره همه حقایق، حتی امور ماورای تجربی پژوهش کند و حقایق کلی را مشاهده نماید. شناخت‌هایی که از این طریق حاصل می‌شوند، فی‌نفسه ارزشمندند، نه آنکه صرفاً ابزاری برای تأمین بهتر نیازهای عملی آدمی باشند. این عقل را در تقابل با عقل ابزاری، عقل شهودی می‌نامند. عقل ابزاری، در دوران تجدد، عمدتاً به کار پیشبرد فناوری آمده است و علقه خاصی با معارف و حیانی ندارد؛ درحالی‌که عقل شهودی، می‌تواند در هماهنگی کامل با وحی قرار گیرد و این همان عقلی است که در متون دینی از آن تمجید شده است (سعیدی‌مهر و دیوانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

بصیرت: بصیرت از ریشه بصر به معنای علم و آگاهی روشن و شفاف به اشیا و امور است. این آگاهی گاه از رؤیت حسی ناشی می‌شود که اغلب به آن بصر می‌گویند و جمع آن ابصار است؛ و گاه به توان ادراک شفاف قلب اطلاق می‌شود که بصیرت نام دارد و جمع آن بصائر است. به تعبیر **مجمع البیان**، بصیرت، بینشی است که با آن، واقعیت آن‌گونه که هست مشاهده می‌شود (آقایروز، ۱۳۹۱، ص ۱۵). بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است. در اصطلاح، بصیرت یعنی قوه‌ای در قلب شخص که به نور قدسی منور است و به وسیله آن حقایق امور و اشیا را درک می‌کند، همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صورت‌ها و ظواهر را می‌بیند. انسان با بصیرت و آینده‌نگر، دارای چشم‌انداز روشن و موضع نزدیک به حق و یا هم‌گرا با حق است.

پیامبر اسلام ﷺ که الگو و مقتدای جهانیان است، مأمور بود تا هدایت و رهبری‌اش بر اساس بصیرت باشد:

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (يوسف: ۱۰۸)؛ ای پیامبر بگو: راه و روش من و هر آن که از من پیروی می‌کند، این است که بر اساس آگاهی و بصیرتی ویژه به سوی خدا دعوت می‌نمایم و خداوند پاک و منزّه است و من از مشرکان نیستم.

این آیه و ده‌ها آیه دیگر در قرآن، نشان از اهمیت بصیرت و روشن‌بینی دارد. بصیرت در آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی، حالتی است که به انسان توانایی تشخیص درست حقایق و تحلیل واقعیت‌ها را می‌دهد. از این رو در قرآن کریم به مسئله بصیرت در ابعاد مختلف آن توجه شده است؛ زیرا با بصیرت است که انسان موقعیت خود را می‌سنجد و نسبت به آن واکنش مناسب نشان می‌دهد: **لَقَدْ لِمَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ** (یوسف: ۱۰۹). یا در جای دیگری می‌فرماید: **«انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ»** (انعام: ۲۴). بصیرت توانایی

تیزبینی و کشف حقیقت در میان انبوه حق و باطل است. بصیرت یک هنر است؛ یک فن که فرد در دوران غبارآلود شدن فضا نه تنها بتواند حق را از باطل بشناسد، بلکه باطلی را که حق را با خود ممزوج کرده در فضایی غبارآلود درک کند.

تفکر: مفهوم تفکر در بیشتر فرهنگ‌نامه‌ها از جمله معین، صبا، دهخدا، معلم، عمید و لغت‌نامه انگلیسی، حتی در قاموس قرآن به معنای اندیشیدن آمده است. البته معانی دیگری چون تأمل، و در قاموس قرآن غیر از اندیشیدن، اعمال نظر و تدبر برای به دست آوردن واقعیات و عبرت‌ها آمده است. صاحب‌نظران تعاریف متعددی را از مفهوم تفکر به دست داده‌اند که در اینجا به تعریفی از شهید مطهری بسنده می‌کنیم: «تفکر، سیر و حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول به سوی یک سلسله مقدمات معلوم، و سپس حرکت از آن مقدمات به سوی آن مطلوب مجهول برای تبدیل به معلوم [است]». قرآن مجید، در بیش از ۳۰۰ آیه به بررسی مفهوم تفکر و تعقل پرداخته و مردم را به آن دعوت فرموده است. علامه طباطبایی صاحب المیزان در ذیل آیه شریفه ۲۲۸ سوره مبارکه بقره تا ۲۰ مفهوم را درباره انواع ادراکات آدمی در قرآن بررسی کرده است. بازشناسی چيستی تفکر، افزون بر شناسایی موهبتی آن، ما را متوجه این نکته می‌سازد که دعوت به تفکر در آموزه‌های دینی و اسلامی که هم در آیات و هم در روایات با تأکید انجام گرفته، دعوت به هر نوع تفکری نیست، بلکه این دعوت ناظر به تفکر خاصی است که هم جهتی مشخص دارد و هم عرصه معین و موضوعی مشخص. از این دیدگاه، این نوع تفکر، تفکری است که می‌تواند به انسان بصیرت دهد و او را از لغزش‌های مسیر راه، تا رسیدن به مقصد حفظ کند (مروجی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۳). قرآن کریم در سوره سبأ، افراد را به تفکر و اندیشیدن و ژرف‌نگری در مسائل فرا خوانده است:

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بَواحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرادى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ما بِصاحبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذابٍ شَدِيدٍ (سبأ: ۳۴)؛ بگو ای پیامبر من تنها یک اندرز می‌دهم و آن اینکه دوتا دوتا و یا یک به یک، برای خدا قیام کنید، سپس ببینید. دوست شما هیچ‌گونه جنونی ندارد. او صرفاً شما را از عذاب سختی که در پیش است هشدار می‌دهد.

خلاقیت و نوآوری: خلاقیت عبارت است از به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم تازه و نو، یا توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد (مقیم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹). خلاقیت را می‌توان فرایند تکامل‌بخشیدن به دیدگاه‌های بدیع و تخیلی درباره موقعیت‌های مختلف تعریف کرد (مورهد و گریفین، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵). در قرآن مجید از جمله صفات خداوند سبحان،

«خلاق» شمرده شده است. خداوند عالم نخستین خلاق و نوآور جهان خلقت است و خلاقیت او تنوع و زیبایی شگرفی را در عالم بنا نهاده است. انسان نیز به منزله کامل‌ترین و عالی‌ترین مخلوق و گزینۀ خلیفه الهی، تنها متفکر خلاق این جهان در میان همه مخلوقات به‌شمار می‌آید. در جهان کنونی بدون هیچ تردیدی به مدد قوه خلاقیت و نوآوری می‌توان به ساختن فرهنگ و تمدن، علم، تکنولوژی و صنعت دست یافت. آیه ۸۶ سوره حجر «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»، اشاره به دستوری تربیتی است که مربوط به تفاوت تفکر و استعدادهاست. خداوند می‌داند که همه مردم یک‌سان نیستند. او از اسرار درون و طبایع و میزان رشد فکری و احساسات مختلف انسان‌ها باخبر است. قرآن مجید در سوره یس، آیه ۸۱، بر دو صفت بزرگ خداوند یعنی خلاقیت و علم بی‌پایان او تکیه می‌کند که درحقیقت دلیلی است بر گفتار پیشین که اگر تردید شما از ناحیه قدرت او بر خلقت است، او خلاق است و اگر جمع‌وجور کردن این ذرات نیاز به علم و دانش دارد، او از هر نظر عالم و آگاه است.

انسان به‌منزله خلیفه و نماینده خدا بر روی زمین، سرشار از استعداد و توانایی است. او می‌تواند، هستی و موجودات را به اراده خود در آورد و آنها را در جهت ساختن و اصلاح جامعه‌ای پویا و موفق به‌کارگیرد؛ اما انسانی با این ویژگی و توانایی ذاتی، از بسیاری از ظرفیت‌ها و استعدادهای خود غافل مانده است و چه‌بسا به‌تدریج، توانایی‌های خود را از دست می‌دهد. بنابراین بحث خلاقیت و نوآوری، برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های نهفته در وجود آدمی، اهمیت بسیار می‌یابد. در نگرش و تحلیل قرآن، انسان، موجودی فراتر از هر موجودی است که در تصور و حتی تخیل انسانی می‌گنجد؛ زیرا وی را خلیفه و جانشین خدا بر هستی دانسته است. این بدان معناست که در میان آفریده‌های خداوند، هیچ موجودی را نمی‌توان یافت که به پای بشر برسد. در آیات قرآنی، بر این نکته تأکید شده که او موجودی است که همه اسمای الهی را به صورت نرم‌افزاری و غیرفعال داراست و تلاش‌های انسانی، در یک فرایند، آن را به شکوفایی و باروری می‌رسانند. اسمای الهی، در تفسیر و تحلیل قرآنی به معنای ظرفیت‌هایی است که به شکل قوه، در ذات انسان نهاده شده‌اند. البته این زمانی است که شخص، خود، در تلاشی که بنا بر اصطلاح قرآنی «کدح» نامیده می‌شود، در یک فرایند زمانی می‌کوشد تا سرمایه‌های سرشته در ذات خویش را به فعلیت برساند. خودشکوفایی به این معناست که شخص از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خویش بهره‌گیرد. در این حالت گونه‌ای اعتماد به نفس و عزت نفس در آدمی پدید

می‌آید که وی را از دیگری بی‌نیاز می‌کند. چنین مسئله‌ای را پیامبر ﷺ به شکل‌های گوناگون بیان داشته است که یکی از آنها، مسئله به‌کارگیری ظرفیت‌های شیطانی در راستای اهداف خدایی خود و جامعه ایمانی بوده است (زروندی رحمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

اعتدال: اعتدال در لغت به معنای میانه‌روی آمده است، یعنی حد وسط. در آیات و روایات نیز درباره اعتدال سخن به میان آمده است. خداوند سبحان در سوره بقره، آیه ۱۴۳، امت خود را میانه و معتدل معرفی می‌کند. هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان متعادل تربیت شود. خدای سبحان امت اسلامی را امتی متعادل و باهویت معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهند و در پی او روند، پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌نماید: «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳). امت میانه یعنی امتی که در هیچ کاری، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی‌کند و همه برنامه‌هایش در حد اعتدال است. عدالت و برابری که در قرآن به قسط تعبیر شده است، از جمله اهداف تربیت اسلامی است. قرآن به پیامبر ﷺ خطاب می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹)؛ بگو که پروردگار من امر به عدالت کرده است. همچنین به مؤمنین دستور داده است: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء: ۱۳۵)؛ در به پا داشتن و اقامه عدالت و برابری بکوشید و گواه و شاهدهی بر خدا باشید [و همان‌گونه که خدا عادل است شما هم با اجرای عدالت شاهد و گواهی بر او باشید].

در اسلام رعایت عدالت و اقامه قسط با احسان و نیکی همراه است. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل، ۹۰)؛ خداوند به عدل و نیکی کردن و بخشش و خویشاوندان امر می‌کند. قرآن مردم را به تعاون و همکاری در کار خیر و داشتن تقوا دعوت می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)؛ در گناه و ستم همکاری نکنید. خداوند حتی فساد فرعون را در همین عدم رعایت قسط و نیکی می‌داند، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ» (اسراء: ۱۱۰).

گرچه میان عدل و قسط قرابت بسیار وجود دارد، عدل، حالتی است میان افراط و تفریط؛ به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار ندارد و اعتدال مراعات شده است؛ اما قسط اجرا و تحقق عدل است و عدلی است که ظهور یافته و محسوس شده است.

جایگاه علم و دانش در قرآن: قرآن چنان برای کتاب، مطالعه و دانش اهمیت قایل است که از کتاب به منزله معیاری برای تقسیم جوامع یاد فرموده است. واژه کتاب جزو مفاهیم اساسی قرآن است. اهمیت مطالعه و کسب علم و دانش به قدری مورد تأکید قرار گرفته که خداوند سبحان یکی از سوره‌های قرآن را به قلم اختصاص داده است و در این سوره به قلم و به آنچه می‌نویسد قسم یاد کرده است: «وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱).

رسیدن به رستگاری ابدی در نتیجه مطالعه و اندیشه انسان حاصل می‌شود؛ زیرا مطالعه معمولاً اندیشه و تفکر را به دنبال دارد و انسان هرچه درباره پدیده‌های طبیعی و ماورای طبیعی بیندیشد به همان اندازه به حقانیت و قدرت پروردگار خویش پی خواهد برد. در همین راستا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر: ۲۸). بنابراین کسب علم و دانش موجب خشیت انسان در برابر عظمت حق تعالی می‌شود و خضوع و خشوع از روی آگاهی و علم، مایه کمال و جاودانگی نوع بشر خواهد شد. همچنین در سوره‌ای دیگر می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹). دانایی و خرد انسان با تحقیق و تفحص در میان نوشته‌های دانشمندان و تجزیه و تحلیل پدیده‌های گوناگون حاصل می‌گردد و خداوند به همین نکته مهم اشاره می‌کند و انسان‌ها را اولاً به مطالعه و اندیشه در آیات روشنگر قرآن فرا می‌خواند، و ثانیاً به مطالعه در آثار طبیعی و نوشته‌های دانشمندان و اهل دانش دعوت می‌کند. دین مبین اسلام ترقی جامعه و یافتن شناخت بر وجود حق تعالی را در گرو مطالعه و علم و دانش می‌داند. چون مطالعه به انسان آگاهی و بصیرت می‌دهد و انسان آگاه با چشم بصیرت به جهان و پدیده‌های پیرامون می‌نگرد و در هر چیزی که می‌نگرد وجود خدا و قدرت لایزال او را مشاهده می‌کند؛ ولی انسان ناآگاه هرچند به ظاهر چشم دارد، چون واقعیت و وجود حق را در خود و اطرافش نمی‌تواند آن‌طور که باید ببیند و درک کند، نابینایی بیش نیست و قرآن چنین فردی را کور خطاب می‌کند و شخص کور و بینا را برابر و یک‌سان نمی‌داند (مرادمند، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹): «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (فاطر: ۱۹). همچنین قرآن می‌فرماید: «فَأَقْرُوا مَا نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمل: ۲۰)؛ یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ» (سبأ: ۶)؛ آنان که دانش یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.

۲. پرسش‌های پژوهش

۱. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد بصیرت توجه شده است؟
۲. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت از جنبه تفکر و تأمل توجه شده است؟
۳. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت از حیث جایگاه علم و دانش توجه شده است؟
۴. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در ناحیه خلاقیت و نوآوری توجه شده است؟
۵. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد اعتدال و میانه‌روی توجه شده است؟

۳. روش پژوهش

روش پژوهش در نوشتار پیش‌رو از نوع توصیفی-پیمایشی است؛ چراکه به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه جهت سنجش نظرات دبیران استفاده شده است (پیمایشی) و برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری طرح و تحلیل پرسش‌ها به منظور توصیف وضع موجود از درصد، نمودار و جدول فراوانی، انحراف معیار و غیره استفاده شده است (توصیفی).

۴. جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دبیران زن و مرد دوره متوسطه شهرستان سنندج است که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به خدمت بوده‌اند و نمونه آماری آن شامل ۱۴۵ نفر، با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه تصادفی است، به گونه‌ای که همه اعضا بخت حضور داشته باشند.

۵. ابزار گردآوری اطلاعات

به جز منابع نوشتاری اعم از کتب، مقالات، فصلنامه‌ها و مجلات، از پرسشنامه محقق‌ساخته که ابعاد و مؤلفه‌های عقلانیت را با توجه به پرسش‌های پژوهش پوشش دهد، استفاده شده است. گفتنی است که پرسشنامه مورد استفاده بر همان مصادیقی تأکید می‌کند که شورای عالی انقلاب فرهنگی آنها را با عنوان شاخص‌های راهبردی ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی در زمینه‌های مختلف بررسی، تصویب و ابلاغ کرده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از اجرای آزمون (پرسشنامه پژوهشی) به دو صورت توصیفی و تحلیلی (آمار استنباطی) به این شرح صورت گرفته است: مقادیر کمی مأخوذ از پرسشنامه‌ها با استفاده از جدول فراوانی، درصد، میانگین و نمودار توصیف شده تا تصویری منظم و ساده ارائه شود. به‌رغم گویایی وضعیت موجود در قالب اشکال توصیفی، به منظور تحلیل بیشتر و علمی‌تر اطلاعات پژوهش از آمار تحلیلی (تی استودنت) نیز کمک گرفته شده است.

۶. جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی یافته‌های حاصل از پژوهش به طور خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: نتایج سنجش متغیرهای تحقیق بر اساس پرسش‌های اول تا پنجم

وضعیت		بالاتر از حد میانگین		در حد میانگین		کمتر از حد میانگین	
پرسش		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
میزان توجه به بعد بصیرت		۲۸	۱۹/۳۱	۴۲	۲۸/۹۶	۷۵	۵۱/۷۲
میزان توجه به بعد تفکر و تأمل		۷۴	۵۱/۰۳	۴۰	۲۷/۵۸	۳۱	۲۱/۳۷
میزان توجه به بعد جایگاه علم و دانش		۳۲	۲۲/۰۶	۴۰	۲۷/۵۸	۷۳	۵۰/۳۴
میزان توجه به بعد خلاقیت و نوآوری		۳۴	۲۳/۴۴	۳۴	۲۳/۴۴	۷۷	۵۳/۱۰
میزان توجه به بعد اعتدال و میانه‌روی		۷۳	۵۰/۳۴	۳۸	۲۶/۲۰	۳۴	۲۳/۴۴

۷. پرسش‌های تحقیق

۱. آیا در برنامه‌های درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد بصیرت توجه شده است؟

درصدها و داده‌های موجود، بیانگر کمتر از میانگین بودن توجه به مفهوم عقلانیت در بعد بصیرت در برنامه‌های درسی است. برای بررسی دقیق‌تر این پرسش، از آمار استنباطی (T) استفاده شده است.

جدول شماره ۲: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پرسش اول با استفاده از توزیع t

سطح معناداری	آماره محاسبه‌شده (t)	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی
۰/۰۱۶	۲/۲۲۵	۱۴۴	۳/۴۳۷	۱/۸۳	۱۴۵

به منظور شناسایی و بررسی سنجش نظرات دبیران درباره‌ی چگونگی پرداختن برنامه‌های درسی مدارس متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد بصیرت و تشخیص معنادار بودن گویه‌های مرتبط و با توجه به هدف تحقیق و نوع سؤال از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. مطابق جدول شماره ۲ و با توجه به t محاسبه شده (۲/۲۲۵) در سطح ۰/۰۵، از نظر آماری اختلاف معنادار است؛ یعنی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه‌های درسی در بعد بصیرت در دوره متوسطه کمتر از حد میانگین است.

۲. آیا در برنامه‌های درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد تفکر و تأمل توجه شده است؟

درصدها و داده‌های حاصل از پژوهش بیانگر بالاتر از میانگین بودن توجه به مفهوم عقلانیت در بعد تفکر و تأمل در برنامه‌های درسی است. برای آزمون درستی این پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

جدول شماره ۳: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤال دوم با استفاده از توزیع t

سطح معناداری	آماره محاسبه‌شده (t)	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی
۰/۰۳۲	۲/۳۳۷	۱۴۴	۲/۱۳۴	۳/۱۱	۱۴۵

به منظور شناسایی و بررسی سنجش نظرات دبیران درباره چگونگی پرداختن برنامه‌های درسی مدارس متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد تفکر و تأمل و تشخیص معنادار بودن گویه‌های مرتبط و با توجه به هدف تحقیق و نوع پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است؛ و مطابق جدول شماره ۳ و با توجه به t محاسبه‌شده (۲/۳۳۷) در سطح ۰/۰۵ از نظر آماری اختلاف معنادار است؛ یعنی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه درسی در بعد تفکر و تأمل در دوره متوسطه بیشتر از حد میانگین است.

۳. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد جایگاه علم و دانش توجه شده است؟

درصدها و داده‌های موجود بیانگر پایین‌تر از میانگین بودن توجه به مفهوم عقلانیت در بعد جایگاه علم و دانش در برنامه درسی است. خلاصه داده‌ها و نتایج بررسی آماری در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پرسش سوم با استفاده از توزیع t

سطح معناداری	آماره محاسبه‌شده (t)	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی
۰/۰۱۲	-۱/۱۱۹	۱۴۴	۲/۱۶۴	۲/۲۲	۱۴۵

به منظور شناسایی و بررسی سنجش نظرات دبیران درباره چگونگی پرداختن برنامه‌های درسی مدارس متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد جایگاه علم و دانش و تشخیص معنادار بودن گویه‌های مرتبط و با توجه به هدف پژوهش و نوع پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین مطابق جدول شماره ۴ و با توجه به t محاسبه‌شده (-۱/۱۱۹) در سطح ۰/۰۵ از نظر آماری اختلاف معنادار است؛ یعنی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه درسی در بعد جایگاه علم و دانش در دوره متوسطه کمتر از حد میانگین است.

۴. آیا در برنامه درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد خلاقیت و نوآوری توجه شده است؟

جهت آزمودن درستی این پرسش دوباره از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد، که خلاصه نتایج در جدول شماره ۵ آمده است:

جدول شماره ۵: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پرسش چهارم با استفاده از توزیع t

سطح معناداری	آماره محاسبه‌شده (t)	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی
۰/۰۱۹	-۲/۲۱۳	۱۴۴	۲/۵۱۲	۲/۱۵	۱۴۵

به منظور شناسایی و بررسی سنجش نظرات دبیران درباره چگونگی پرداختن برنامه‌های درسی مدارس متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد خلاقیت و نوآوری و تشخیص معنادار بودن گویه‌های مرتبط و با توجه به هدف پژوهش و نوع پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین مطابق جدول شماره ۵ و با توجه به t محاسبه‌شده (۲/۲۱۳-) در سطح ۰/۵. از نظر آماری اختلاف معنادار است؛ یعنی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه‌های درسی در بعد جایگاه خلاقیت و نوآوری در دوره متوسطه کمتر از حد میانگین است.

۵. آیا در برنامه‌های درسی دوره متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد اعتدال و میانه‌روی توجه شده است؟ جهت آزمودن درستی این پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد، که خلاصه نتایج در جدول شماره ۶ آمده است:

جدول شماره ۶ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به پرسش پنجم با استفاده از توزیع t

سطح معناداری	آماره محاسبه‌شده (t)	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین نمرات	فراوانی
۰/۰۳۳	۲/۱۰۶	۱۴۴	۲/۳۳۳	۳/۵۳	۱۴۵

به منظور شناسایی و بررسی سنجش نظرات دبیران درباره چگونگی پرداختن برنامه‌های درسی مدارس متوسطه به مفهوم عقلانیت در بعد خلاقیت و نوآوری و تشخیص معنادار بودن گویه‌های مرتبط و با توجه به هدف تحقیق و نوع پرسش از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین مطابق جدول شماره ۶ و با توجه به t محاسبه‌شده (۲/۱۰۶) در سطح ۰/۵. از نظر آماری اختلاف معنادار است؛ یعنی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان توجه به مفهوم عقلانیت در برنامه‌های درسی در بعد اعتدال و میانه‌روی در دوره متوسطه بیشتر از حد میانگین است.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که با استفاده از رویکرد کمی و کیفی انجام گرفته، به مفاهیم عقل و عقلانیت در برنامه‌های درسی مدارس پرداخته است؛ بحثی با مفاهیم و مؤلفه‌های مهم و گسترده که گاه بعضی از این مفاهیم در کتب درسی و برنامه‌های مدارس کم‌رنگ شده و رو به زوال رفته است و این پژوهش تلنگری است در جهت توجه جدی به این مقوله ارزشمند. ارزشمندی این بحث در حدی است که در حدیثی از رسول اکرم ﷺ آمده است: «انما یدرک الخیر کله بالفعل، ولا دین لمن لا عقل له»؛ تمام خیر به وسیله عقل به دست می‌آید، و آن که عقل ندارد، دین هم ندارد. از حضرت صادق (ع) پرسش می‌شود که عقل چیست؟ می‌فرماید: «ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان»؛ چیزی است که به وسیله آن خدا

عبادت می‌شود، و بهشت به دست می‌آید. همچنین حضرت علی علیه السلام در عظمت و بزرگی آن می‌فرماید: «همة العقل ترك الذنوب، واصلاح العيوب»؛ اراده و همت عقل در وجود انسان ترک گناهان، و اصلاح عیوب ظاهر و باطن است (انصاریان، ۱۳۷۷، ص ۳۳۷). پس نیاز است که این نعمت بزرگ و عظیم خدادادی را که انسان در سایه آن بنده حقیقی حق، و کاسب بهشت می‌شود، پاس بداریم.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از نظر دبیران میزان توجه به مفهوم عقلانیت در بعد بصیرت که از ارکان مهم عقل و عقلانیت به شمار می‌آید، اندک بوده است؛ چراکه ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و بی‌خردی‌ها در عدم بصیرت و ناآگاهی واقعی است. در آموزه‌های اسلامی بر این نکته مهم تأکید شده است که انسانی که در این دنیا به بصیرت نرسد در مسیری قرار گرفته است که دیگر راه بازگشت و تصحیح و اصلاح رفتارش مقدور نیست. حضرت علی علیه السلام در **نهج البلاغه**، خطبه ۱۷۳ می‌فرماید: «لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر والعلم بمواضع الحق». پرچم دفاع از اسلام را کسی برمی‌دارد که سه ویژگی داشته باشد: اول، اینکه به مسائل و احکام آن بصیرت داشته باشد؛ دوم اینکه در برابر عوارض ایفای رسالتی که این بصیرت و آگاهی انسان را بدان می‌کشاند، صبور و بردبار باشد؛ و سوم اینکه نه تنها معیارها را بداند، بلکه به تطبیق معیارها بر مصادیقش نیز علم داشته باشد (آقایپروز، ۱۳۹۱، ص ۱۷). اینجاست که نقش بصیرت و آگاهی خود را نشان خواهد داد. در قرآن کریم نیز در آیه‌های فراوانی به نقش بصیرت و آگاهی توجه وافر شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۳)؛ یا «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ» (یوسف: ۱۰۸)؛ یا «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)؛ یا «وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْمَىٰ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ» (یونس: ۴۳).

از دیگر نتایج پژوهش، کم‌توجهی به مفهوم عقلانیت در ابعاد جایگاه علم و دانش و همچنین خلاقیت و نوآوری در برنامه‌های درسی مدارس متوسطه از دیدگاه دبیران است. درباره جایگاه علم و دانش در آموزه‌های اسلامی نکات بی‌شماری وجود دارد و صدالبته آیات فراوانی در قرآن کریم، که جایگاه علم و دانش و دانش‌اندوزی را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. قرآن کریم و دین مبین اسلام مطالعه و رفتن به دنبال کسب علم و دانش را یکی از فرایض و واجبات به شمار آورده است و به همین علت است که نخستین آیات قرآن که بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده‌اند با الفاظ خواندن، قلم و علم آغاز گشته‌اند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۱-۴)؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید، همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد، بخوان که پروردگارت بزرگوار است، همان کس که به وسیله قلم تعلیم نمود.

دین مبین اسلام ترقی جامعه و شناخت وجود حق تعالی را در گرو مطالعه افراد می‌داند؛ زیرا مطالعه به انسان آگاهی و شناخت می‌دهد و انسان آگاه با چشم بصیرت به جهان و پدیده‌های پیرامون می‌نگرد و در وجود هر چیزی قدرت لایزال خداوندی را مشاهده می‌کند. در احادیث نبوی آمده است: علم را بیاموزید؛ زیرا فراگیری آن خداگرایی، کسب آن عبادت و مدرسه‌اش ذکر و تسبیح، تحقیق و بررسی و مطالعه‌اش جهاد و آموزش دادنش صدقه و بخشش آن موجب نزدیک شدن به خداوند می‌شود. یا در جایی دیگر می‌فرماید: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»؛ ز گهواره تا گور دانش بجوی. همچنین فرموده‌اند: «من مات ومیراثه الدفاتر والمحابر وجبت له الجنة»؛ هرکس بمیرد و میراث او دفترها و دوات باشد، بهشت بر او واجب می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرموده‌اند: «گاه مؤمنی از جهان در گذرد و تنها یک برگ کاغذ از خود به میراث بگذارد که دانشی بر آن نوشته شده باشد، همان یک برگ پرده‌ای میان او و آتش دوزخ خواهد افکند» (مرادمند، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). همه احادیث و روایاتی که از پیامبر بزرگوار اسلام درباره جایگاه علم و دانش نقل شده، ادامه فرامین و اهداف عالی قرآن کریم بوده‌اند و نشان‌دهنده اهمیت آن در رسیدن به کمال دنیوی و اخروی انسان‌ها و جوامع انسانی هستند. با این اوصاف نیاز است در کتب درسی همه مقاطع تحصیلی به جایگاه علم، دانش و دانش‌اندوزی توجه جدی شود و با ذکر نشانه‌ها و مصادیق عینی از آیات و روایات، نقش آن در زندگی دنیا و آخرت برای دانش‌آموزان برجسته‌تر گردد.

در زمینه خلاقیت و نوآوری و نقشی که کتب و برنامه‌های درسی مدارس می‌توانند داشته باشند، سخنان بسیاری گفته شده است؛ چراکه خداوند سبحان بر اساس همین ویژگی‌های انسانی خلاقیت است که او را جانشین خود بر روی زمین قرار داده است و همه استعدادها و توانایی‌های ممکن را در وجود او به صورت بالقوه قرار داده است تا در جهت ساختن جامعه‌ای امن و پویا بکوشد؛ گرچه انسان با همه این ظرفیت‌ها و توانایی‌های خدادادی از خود و استعدادهای خود غافل مانده است. نوآوری یک سنت الهی و اسلامی است که می‌کوشد دین را از حصار زمان و مکان بیرون سازد و آن را پویا و به‌روز کند. از سوی دیگر، یکی از نام‌های خداوند سبحان «بدیع» است که در دعاهای مختلف تکرار می‌شود و در قرآن کریم نیز تعبیر «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (بقره: ۱۱۷) به کار رفته است و معنا و مفهوم بدیع در لغت، همان واژه نو، تازه و خلاق است. خداوندی که خود را به صفت بدیع و نو می‌آراید و معرفی می‌کند، یقیناً دوست دارد بندگانش که اشرف مخلوقات روی کره زمین هستند دارای طبعی نو و خلاقانه باشند. پس نظام رسمی تعلیم و تربیت می‌تواند بخش عظیمی از این استعدادهای خدادادی نهفته در وجود فرد را شکوفا سازد.

از دیگر نتایج تحقیق، توجه برنامه و کتب درسی به مفهوم تفکر و تأمل و اعتدال و میانه‌روی است که از دیدگاه دبیران، مثبت ارزیابی شده است؛ اما جا دارد که بیشتر به این مفاهیم که از ابعاد مهم عقلانیت شمرده می‌شوند توجه کنیم؛ چراکه قرآن کریم در این زمینه نیز توصیه‌های مؤکدی دارد؛ آنجا که می‌فرماید:

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹)؛ به طور قطع گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ قرار دادیم، نشانه‌های آنها این است که عقل دارند و با آن اندیشه نمی‌کنند، چشم دارند و با آن نمی‌بینند، گوش دارند و با آن نمی‌شنوند، آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر! آنها غافلانند.

خداوند در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)؛ بدترین جنبنده‌ها نزد خداوند، کر و گنگی هستند که نمی‌اندیشند. بنابراین موضوع تفکر و تأمل در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و قرآن یکی از صفات دوزخیان را نداشتن تفکر و تعقل ذکر فرموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۱۰)؛ دوزخیان می‌گویند اگر ما گوش شنوا و عقل بیداری داشتیم در میان دوزخیان نبودیم. به عقیده علامه در قرآن صلاح حیات وابسته به تفکر صحیح معرفی شده و هم مکرر دعوت به تفکر شده است.

زندگی بشر سامان نمی‌گیرد مگر به وسیله ادراک که ما آن را فکر می‌نامیم و از لوازم فکری بودن بشر یکی این است که هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد قهراً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود؛ پس زندگی استوار ارتباط کامل با فکر استوار دارد و زندگی استوار مبتنی و مشروط به داشتن فکر استوار است. حال هر قدر استواری فکری بیشتر باشد، استواری زندگی بیشتر و هر قدر آن کمتر باشد، این نیز کمتر خواهد بود (قاسم‌پور، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

در زمینه اعتدال هم برنامه‌های درسی مدارس باید سرشار از روحیه اعتدال‌گرایی، و از هر گونه افراط و تفریط به دور باشد. از آموزه‌های دینی چنین بر می‌آید که عقل می‌تواند به منزله حاکم معتدل به ایجاد عدالت و تعادل کمک کند. خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا» (فرقان: ۶۷)؛ کسانی که وقتی انفاق می‌کنند، زیاده‌روی نمی‌کنند. در بحث اعتدال و میانه‌روی ذکر این نکته بایسته و ضروری است که اعتدال باید در همه بخش‌ها و زمینه‌ها مورد تأکید و توجه باشد؛ هم در حوزه عقاید، هم در شخصیت و هم در حوزه عبادت و تلاش و کار و مناسبات اجتماعی، که درباره تک‌تک این حوزه‌ها با مصادیق روشن در قرآن کریم سخن گفته شده است.

منابع

- آقایپور، علی، ۱۳۹۱، «شاخص‌های بصیرت در رهبری امام خمینی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، ش ۲۹، ص ۳۴-۱۱.
- آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم*، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- اکبری تختمشلو، جواد و سعید زیباکلام، ۱۳۹۰، «عقلانیت در فلسفه علم پوپر»، *فلسفه علم*، سال اول، ش ۲، ص ۶۴-۲۵.
- انصاریان، حسین، ۱۳۷۷، *نظام خانواده در اسلام*، قم، ام ایها.
- پورابراهیم، شیرین و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی مفهوم بصیرت در زبان قرآن در چارچوب معنی‌شناختی»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی*، سال سوم، ش ۲، ص ۳۴-۱۹.
- خان‌محمدی، کریم، ۱۳۹۱، «مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت وحیانی بر اساس دیدگاه‌های هابرماس و علامه طباطبایی»، *علوم سیاسی*، سال پانزدهم، ش ۵۷، ص ۷۴-۳۱.
- خزاعی، زهر، ۱۳۸۵، «عقلانیت اخلاق»، *اندیشه دینی*، ش ۲۱، ص ۵۰-۲۳.
- دانایی‌فرد، حسن و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط مشی»، *مدرس علوم انسانی*، دوره چهاردهم، ش ۴، ص ۱۰۶-۷۹.
- زرگر، نرگس و محمدعلی عبدالهی، ۱۳۹۲، «نقش عقل در فهم آیات قرآن از منظر ملاصدرا»، *اندیشه نوین دینی*، سال نهم، ش ۳۲، ص ۷۶-۶۳.
- زروندی رحمانی، نفیسه، ۱۳۸۷، «جایگاه نوآوری و شکوفایی در قرآن»، *قرآن و حدیث*، ش ۶۷.
- زیباکلام، صادق و جواد حق‌گو، ۱۳۹۰، «مجمع تشخیص مصلحت نظام نتیجه عقلانیت حاکم بر سیره امام خمینی»، *سیاست*، دوره ۴۱، ش ۲، ص ۱۶۰-۱۴۳.
- سجادی، سیدمهدی، ۱۳۸۴، «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۴۶-۲۶.
- سعیدی‌مهر، محمد و امیر دیوانی، ۱۳۷۹، *معارف اسلامی*، جلد اول، قم، معارف.
- سلحشوری، احمد و محمدرضا یوسف‌زاده، ۱۳۹۰، «جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی»، *تربیت اسلامی*، سال ششم، ش ۱۲.
- صانعی، منوچهر، ۱۳۸۵، «عقلانیت در اندیشه رازی»، *آینه معرفت*، ش ۸، ص ۷۲-۵۵.
- صفایی‌مقدم، مسعود و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی اصل عقلانیت در منابع اسلامی و استلزامات تربیتی آن»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۲۹-۱.
- عیوضی، محمدرحیم و گارینه کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۰، «تبیین مسئله عقلانیت ابزاری، ارتباطی و دینی از نگاه امام خمینی و یورگن هابرماس»، *اندیشه نوین دینی*، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۸۸-۷۱.
- قاسم‌پور، محسن، ۱۳۹۰، «جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی»، *پژوهش دینی*، ش ۲۲، ص ۹۰-۶۵.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، *بحار الانوار*، تهران، نشر دار الکتب الاسلامی.
- مراصد، علی، ۱۳۸۹، «کتاب و کتابخوانی از منظر قرآن»، *کتاب*، ش ۸۱، ص ۱۴۴-۱۳۲.
- مروجی، مهدی و همکاران، ۱۳۸۱، «نگاهی به آموزش تفکر در قرآن کریم»، *رشد قرآن*، دوره هفتم، ش ۷، ص ۲۰-۲۷.
- مقیم، سیدمحمد، ۱۳۸۶، *سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی*، تهران، ترمه.
- ملکی، علی، ۱۳۸۷، «پوپر اصل عقلانیت و نظریه‌های اقتصادی»، *حکمت و فلسفه*، سال چهارم، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۳۶.
- موحد، ضیاء، ۱۳۸۳، «منطق و عقلانیت»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۷۵، ش ۲، ص ۱۹-۱۱.
- مورهد و گریفین، ۱۳۸۳، *رفتار سازمانی*، ترجمه: سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید.
- نوربخش، رضا، ۱۳۹۰، «بصیرت از نگاه آیات و روایات»، *پیوند*، ش ۳۸۷، ص ۶-۳.